

تربیت نسل جوان با تأکید بر آسیب‌شناسی

زهرآزفنداک^۱

چکیده

این تحقیق با هدف تربیت نسل جوان با تأکید بر آسیب‌شناسی انجام شده است و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که تربیت چه تأثیری می‌تواند بر نسل جوان با تأکید بر آسیب‌شناسی داشته باشد؟ تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی است و روش به کار رفته در این مطالعه کتابخانه‌ای است. داده‌ها متناسب با اهداف و سوالات تحقیق با استفاده از ابزار فیش جمع‌آوری و در تحصیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. از مهمترین نتایج این مطالعه می‌توان به مطالب زیر اشاره کرد.

دوره جوانی از بهترین دوره‌های زندگی انسان است که در سرنوشت دنیوی و اخروی او نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. جوانی، پرشورترین لحظات حیات و پر جلوه‌ترین دوران زندگی و حساس‌ترین مرحله عمر بشر به شمار می‌رود. بالاترین موفقیت‌های زندگی در همین دوران کوتاه جوانی، شکل می‌گیرد که با عمر انسان برابری می‌کند.

کلید واژه: تربیت، نسل جوان، آسیب‌شناسی

^۱. طلبه پایه پنجم مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) بندر ترکمن، azfandak1400@gmail.com

ضروری ترین بحثی که پیرامون جوان باید به آن پرداخت، شناخت موانع و آفت هایی است که او را از مسیر صحیح کمال و وصول به موفقیت و سعادت بازمی دارد. مقطع جوانی به همان اندازه که از لطافت و صفا برخوردار است، آفت ها و آسیب های آن نیز فراوان است. از آنجایی که این آفت ها و موانع در مسائل دینی بیشترین ضربه را به نسل جوان وارد می کند در رابطه با مسائل تربیت دینی نسل جوان و عدم توفیق مورد انتظار در مسیر تربیت دینی، لازم است راهزنان این مسیر و چون و چرایی آن را جستجو کنیم؛ چرا که کاستی های نظام هدایت دینی در ایمان ستیزی جوانان نقشی شگرف دارد. کشف آسیب های موجود در روش و محتوای هدایت دینی نسل نو آرزوی دینداران است؛ چرا که این آسیب ها منجر به حرکت جوان ها به سوی مقاصد غیر الهی و اهداف غیردینی است. جوانی که قربانی آسیب ها می شود سرمایه های ارزشمند وجودی خود را از دست می دهد و از هدایت الهی فاصله می گیرد.

یکی از مسئولیت های مهم در برنامه ریزی تحقیقی و پژوهشی شناساندن محرک های نامناسب است. که گاهی به صورت نیروی نفسانی در اثر عامل خارجی یا افکار درونی به جوان حمله می کند و او را تحت تأثیر احساسات نابجا، عشق های کاذب قرار می دهد. ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابلای افکار و عقاید آنان باید جستجو کرد. فکر اینکه این نسل از نظر مذهبی آنچنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر فوق العاده نیازمند است. در این میان مسئولیت جوانان این است که این محرک های نامناسب را بشناسد و با آن مبارزه کند تا به اهداف عالی و کمالات انسانی دست یابد.

معنای لغوی: مصدر باب تفعیل از ماده «رَبَّو» به معنای «پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن» (معین، ۱۳۸۱: ۱۰۶۳/۱) و «پروراندن، آموختن و تأدیب» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۵۰/۱۴) به کار رفته است. همچنین به معنای «زیاد کردن، نمو دادن، وسیله رشد را فراهم نمودن و پاک گردانیدن» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵) شریف قریشی معتقد است «تربیت در لغت از «رَبَّ ولده و الصَّبَّ یرَبُّه رَبَّاه» گرفته شده است. یعنی «به کودک خوب رسیدگی کرد و از او به نیکویی مراقبت نمود تا به سنین بلوغ رسید» (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۲۳)

معنای اصطلاحی تربیت:

در اصطلاح علوم تربیتی، از تربیت تعاریف متعددی شده است و هر کسی آن را از جهتی، اهداف، اصول و روش تعریف کرده است. برخی از صاحب نظران، تربیت را عمل عمدی فردی رشید می‌دانند که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد اما قابل آن است، آسان سازد.

بنابراین تربیت «سرپرستی از جریان رشد یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است». (شکوهِی، ۱۳۸۵: ۶)

شهید مطهری (ره) تربیت واقعی را همان پرورش دادن می‌داند؛ یعنی به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۳)

برخی تربیت را اینگونه تعریف کرده اند: «فرآیند یاری رسانی به مربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایی صورت می گیرد». (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱/ ۱۴۱)

آسیب

معنای لغوی آسیب:

واژه آسیب در لغتنامه دهخدا به معنای زخم کوب و ضرب بیان شده است. این واژه معانی دیگری نیز دارد. صدمه، کوس، عیب، ثعب، رنج، مشقت، کلفت، جرح، خستگی، آفت، نکبت، بلا، فتنه، مصیبت، خطر، زیان، ضرر، گزند و آزار، کوفتگی آفات و مصائب. (دهخدا، ۱۳۸۰: ۹۴۴)

معنای اصطلاحی آسیب:

به هر پدیده نامطلوب و مضر در سلامت جامعه (نظیر جنایت، جرم، ارتشا) را آسیب های اجتماعی می نامند. مفهوم آسیب شناسی از علوم زیستی گرفته شده است یعنی مطالعه بی سامانی ها و آسیب های اجتماعی مانند فقر، بیکاری، تهکاری و غیره همراه با علل و عوامل و شیوه های درمان آن و همچنین شرایط بیمار گونه و ناهنجار اجتماعی را آسیب شناسی گویند. (ساورخانی، ۱۳۷۰: ۵۹) یک نوع بی نظمی، نابسامانی و آشفتگی که وضعیت ثابت ندارد و یک روند تشدید و گسترش نیز در آن قابل مشاهده است. این وضعیت را برخی از دانشمندان خاندان جامعه شناسی آنومی گویند که معنای لغوی آن «بی هنجاری» و «بی قانونی» و معنای وسیع آن آشفتگی اجتماعی است. لذا پهنه آن از جرم و جنایت قوانین تا دزدی و دیگر انحرافات می باشد. (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۶۵)

در واقع آسیب شناسی اجتماعی مطالعه ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، اعتیاد، خودکشی، می خوری، ولگردی، زورگیری، گدایی و غیره همراه با علل و شیوه های پیشگیری و درمان آنها و نیز شرایط بهینه اجتماعی است. (ستوده، ۱۳۸۴: ۴۳)

جوان

معنای لغوی جوان:

جوان یعنی برنا، هر چیزی که از عمر آن چندان نگذشته باشد، مقابل پیر. (دهخدا، ۱۳۸۰: ج ۵)

الشباب: مرد جوان، جمع آن الشبان، الشباب است.

الشابه: زن جوان، جمع آن الشواب است.

الشبيه: معنای خلاف پیری را دارد و به معنای دوران جوانی است و البته الشباب هم به معنای دوران جوانی است. (ابن منظور، بی تا: ۴۸۰/۱۰)

الفتاء: مصدر از الفتی السن، به معنای جوانی می باشد.

معنای اصطلاحی جوان:

جوانی مدخل زندگی بزرگسالی است. مرحله ای است که دیگر نشانی از صفات کودکی نمی باشد و فرد از نظر شکل ظاهر همچون بزرگسالان می باشد. سعی دارد که به کسب موقعیت اجتماعی بزرگسالی نیز دست یابد در حقیقت پس از سپری شدن تحولات بلوغ در طول نوجوانی ایام جوانی فرا می رسد و جوانان به محیط وسیع جامعه قدم می گذارند و می خواهند که فردی مفید و فعال بوده و مورد پذیرش جامعه قرار بگیرند. لذا در صدد کسب شخصیت اجتماعی لازم بر می آیند. (سلیمانی فر، ۱۳۸۳: ۲۶)

جوانی یکی از مهم‌ترین ادوار زندگی انسان است که در هر علمی تعریف مخصوص به خود را دارد. از دیدگاه روانشناسی رشد افرادی را که در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ سال قرار دارند، جوان می‌نامند. البته در تعیین محدوده سن جوانی بین روانشناسان اختلاف نظر وجود دارد، برخی سنین بین ۲۵ و ۱۳ و عده‌ای نیز ۲۰ تا ۴۰ سالگی و یا ۲۵ تا ۱۸ را سن جوانی می‌دانند. (قائم، ۱۳۷۸: ۱۱)

۱- عوامل موثر در تربیت فرزندان

عوامل موثر در تربیت عواملی هستند که در شکل‌گیری شخصیت و ساختار تربیتی انسان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارند. مهمترین این عوامل عبارتند از: وراثت، محیط خانواده، جامعه، همسالان و محیط آموزشی که به اختصار آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- وراثت

وراثت از نظر لغوی: ارث بردن، انتقال حقوق مکسبه و صفات مشخص شده در خون یک فرد باعقاب، ارث بری است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۶۳)

تعریف اصطلاحی وراثت:

وراثت به طور کلی یعنی انتقال بعضی از خصوصیات والدین یا خویشان آنها به فرزندان و همین امر سبب شباهت فرزندان به والدین یا خویشان آنها می‌باشد. بعضی وراثت را انتقال خصوصیات از نسلی به نسل دیگر از طریق تولید مثل تعریف کرده‌اند. منظور از میراث زیستی یعنی آنچه که فرد در موقع انعقاد نطفه دریافت می‌دارد و زندگی خود را با آن شروع می‌کند. وراثت شامل تمام عواملی می‌شود که در وقت انعقاد نطفه فرد حضور دارند و محیط از عوامل خارجی تشکیل می‌شود. این عوامل بلافاصله پس از انعقاد نطفه فرد، روی او اثر می‌گذارد از این پس رشد فرد تابع محیط و وراثت می‌باشد. (شریعتمداری، ۱۳۸۱: ۵۸)

در قرآن نیز تأثیر وراثت را در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره نوح از زبان حضرت نوح (ع) می‌بینیم آن جا می‌فرماید: «و قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا» «انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لا یلدوا الا فاجراً کفاراً» «و نوح گفت: پروردگارا هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار؛ زیرا اگر تو آنان را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزیاید» در هر حال نقش وراثت در تربیت انسان نقش مهم و کارساز است و در سخنان معصومین (ع) تأکیدی بسیار بر اهمیت آن شده است. چنان که از امام علی (علیه السلام) چنین وارد شده «حسن الاخلاق برهان کرم الاغراق» نیکویی اخلاق و دلیل پاکی و فضیلت، ریشه خانوادگی است. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۷: ۳۴۶)

۴-۲- عامل روانی

حالت ها و ویژگی های روحی و روانی مربیان نیز می تواند عاملی برای به کارگیری روش های نادرست باشد که به دو مورد از آنها اشاره می کنیم:

الف) هیجانی شدن

هیجانات بخشی از زندگی انسان است که در مواردی حیات و بقای انسان به آنها بستگی دارد. برای مثال ترس هیجانی است که برای اجتناب از عوامل خطرناک سودمند است و خشم و غضب هیجان دیگری است که برای غلبه بر دشمن و عوامل تهدید کننده مفید می باشد و هیجانات دیگری نیز کاربرد خاص خود را دارند. ولی اگر هم این هیجانات مهار نشوند پیامدهای ناگواری را برای انسان به وجود می آورند. انسان در این حالت ها تعادل رفتار خود را از دست می دهد و کارهایی می کند که در شرایط عادی انجام نمی دهد. انسان، در شرایط هیجانی به طور معمول نمی تواند بر فرآیند عقلی خود تسلط کافی داشته باشد و از این رو اعمالش بیشتر توسط فرآیندهای غیر عقلانی کنترل می شود یکی از علت های به کارگیری روش های آسیب زا توسط اولیا و مربیان ممکن است بروز همین حالت های هیجانی کنترل نشده باشد. برای مثال اگر مربی در حالت هیجانی خشم قرار بگیرد، از حالت عادی خارج می شود و با اینکه به اصول و روش های درست تربیت آگاهی دارد ممکن است به روش های نادرستی مانند پرخاشگری، ناسزا و تهمت، تحقیر، زورگویی و در نهایت ضرب و شتم روی می آورد. به همین دلیل است که در روایات از ادب کردن به هنگام غضب نهی شده است. «نهی رسول الله عن الأدب عند الغضب» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۲) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از ادب کردن به هنگام غضب نهی فرمودند. علت اینکه ممکن است دو چیز باشد: یکی اینکه در حالت غضب، تأدیب کارایی خود را از دست داده و جای خود را به روش های آسیب زا و غیر مجاز می دهد و دیگر اینکه تأدیب در این حالت جنبه الهی و اصلاحی نخواهد داشت؛ چرا که مربی در این حالت برای تشفی و آرامش دل خود به تأدیب روی می آورد، نه برای اصلاح و تربیت.

ب) میزان ناکامی ها و پاسخ به عقده ها

مربی مانند هر انسان دیگری ممکن است در زندگی با شکست ها و ناکامی ها و آرزوهای برآورده نشده ای مواجه شده باشد این ناکامی ها به صورت عمده در بخش ناهشیار ذهن باقی می ماند و زمانی که شرایط را مناسب ببیند در قالب رفتارهای خاص بروز و ظهور می یابد. برای مثال فردی که رفتاری متکبرانه و مغرورانه دارد، بی گمان در گذشته با احساس حقارتی روبرو شده است و با این رفتار می خواهد آن حقارت را جبران نماید.

بنابراین بعید نیست که برخی از اولیا و مربیان به دلیل ضعف روحی و روانی و برای جبران آن به روش های آسیب زا روی بیاورد تا در پوشش آنها بخشی از ناکامی های خویش را جبران نمایند. برای مثال ممکن است والدین با اسمهای نامأنوس و

گاه زشت و بی معنا که برای فرزندان خویش برمی‌گزینند بخواهند به مرتبه‌ای از شهرت و اعتبار و احترام اجتماعی برسد و از این راه کمبود روحی خود را جبران کنند (کتابچی، ۱۳۷۶: ۴۶) و یا با به کارگیری روش اجبار و تحمیل به حس برتری طلبی و سلطه جویی خود که پیشتر سرکوب شده است، پاسخ دهند و یا با تحقیر و سرزنش متربی بخواهند به نوعی تحقیرها و سرزنش‌های دیگران در مورد خود را تلافی نمایند. البته این سخنی است که تا حدی علم روانکاوی امروز آن را تأیید کرده است.

۴-۳- عامل فرهنگی

ممکن است در جامعه فرهنگ به گونه‌ای باشد که خود به خود زمینه‌ای برای به کارگیری روش‌های آسیب‌زا فراهم آید برای مثال اگر نگاه عمومی جامعه به فرزندان و به تعبیر دیگر انسان‌های کوچک و کم سن و سال نگاهی محترمانه نباشد، بلکه آنان بخشی از اموال و دارایی‌های پدر خانواده به شمار می‌روند که پدر حق تصرف بدون چون و چرا را در آن دارد در چنین فرهنگی رواج روش‌های آسیب‌زا طبیعی خواهد بود یا اگر در جامعه‌ای کودک آزاری و تنبیه و تحقیر فرزند رواج داشته و یا استفاده از لقب‌های زشت و نامهای بی‌معنا و نامناسب رایج شده باشد، به طور طبیعی رفتار اولیا و مربیان را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و آنان ناخودآگاه به این روش‌ها روی خواهند آورد. رواج شیوه‌های نادرست در جامعه، خود عاملی برای استفاده از این روش‌ها توسط اولیا و مربیان است. در چنین فرهنگی مربیان یا توجهی به آسیب‌زایی این روش‌ها ندارند و یا با آگاهی به پیامدهای آن‌ها رواج آنها در جامعه را مجوزی برای استفاده از آنها تلقی می‌کند و آن آسیب‌ها را در برابر این پذیرش عرفی و اجتماعی ناچیز می‌شمارند. در این حال این امر می‌تواند معلول تأثیرگذاری را استنباط کرد. از مجموعه روایت‌هایی که در باب معاشرت با دیگران آمده چه روایت‌هایی که انسان را به معاشرت با خوبان تشویق کرده و چه روایت‌هایی که انسان را از معاشرت با بدان برحذر داشته است، به خوبی استفاده می‌شود که محیط اجتماعی و انسانی تأثیرهای خاص خود را در ابعاد گوناگون بر روی افراد می‌گذارد و عملکرد آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

امیرالمومنین در نامه ۶۹ نهج البلاغه پس از توصیه‌های فراوانی که به حارث همدانی دارد می‌فرماید: «واسکن الاحصار العظام فانها جماع المسلمین واحذر منازل العقلیه و الجفاء و قله الاعوان علی طاعة الله» در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافل شدند و به یکدیگر ستم روا می‌دارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند بپرهیز. در این روایت حضرت علی (ع) حارث را به سکونت در مرکزی ترغیب می‌کند که به دلیل حضور مسلمانان در آن از فرهنگ غنی و بالایی برخوردار است و در مقابل از مرکزی که محل سکونت غافلان و جاهلان و ستمکاران است بر حذر می‌دارد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۷۳)

نتیجه گیری

بی تردید جوانی از حساس ترین و پر مخاطره ترین دوران زندگی است. جوان با همه توانایی ها، به خاطر حساسیت مقطع سنی، مشکلات، کمبودها، واقعیات انکارناپذیر دارد. از جمله آن مشکلات کمبود تجربه و آگاهی، الگوپذیری و تقلید افراطی، غفلت و بی خبری، بیکاری، تبلیغات فرهنگی دشمنان و اوقات فراغت که اگر درست برنامه ریزی نشود، اوقات فراغت او هم باعث گمراهی جوانان می شود و البته عدم درک جوان و بی توجهی به واقعیات طبیعی اش چه بسا به جای تربیت سبب گمراهی جوانان می شود. بدین حسب متولیان امر، تربیت جوانان را مورد توجه قرار دهند. جوان به تدریج به اطلاعات و آگاهی ها دست می یابد و اندوخته های ناقص خود را تکمیل می کند. توجه والدین و مربیان به محدودیت، معلومات مفید و تجارب علمی جوانان و سطح توقعات آنان را کاهش می دهد و معتدل می سازد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «نادانی جوان معذور و علم و آگاهی اش محدود است» و بدین سبب باید در حد معقول از جوانان انتظار داشت و گفتیم که از مهمترین دوران، نوجوانی و جوانی است که اگر درست تربیت شود و والدین و مربیان آموزشی درست جوانان را بفهمند و در مورد این دوران، آموزش دیدن باعث سعادت‌مندی جوانان در آینده می شود و اینگونه جامعه‌ای سالم خواهیم داشت.

فهرست منابع

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، بی تا، «تحف العقول»، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، «لسان العرب»، بی جا.
۳. احدی، حسن، محسنی، نیکچهر، ۱۳۷۴، «روانشناسی رشد»، چاپ و نشر بنیاد.
۴. الآمدی تمیمی، عبدالواحد، ۱۴۲۷، «غررالحکم و دررالکلم» بی جا، ناشر دارالکتاب اسلامی.
۵. بخشیان، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، «پرواز در فضای جوانی»، انتشارات روح، چاپ اول.
۶. بدوی، رحمان، بیرامی، محمد، ۱۳۹۵، «تعلیم و تربیت دینی کودکان و نوجوانان»، تبریز.
۷. پورشه، سوزانه، ۱۳۸۶، «چگونه ارزشها را به فرزندانمان منتقل کنیم»، مترجم سپیده خلیلی، تهران، نشر پنجره.
۸. خدایاری فرد، محمد، ۱۳۷۷، «مسائل نوجوانان و جوانان»، تهران، انتشارات اولیا و مریان، چاپ پنجم.
۹. دشتی، محمد، ۱۳۸۶، «ترجمه نهج البلاغه»، قم، ناشر موسسه فرهنگی دارالمعارف، چاپ اول.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۰، «سیری در تربیت اسلامی»، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ چهارم.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۰، «فرهنگ دهخدا»، جلد ۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۵، مترجم غلامرضا خسروی، «مفردات الفاظ قرآن»، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم.
۱۳. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، «آنومی یا آشفتگی اجتماعی»، انتشارات سروش.
۱۴. ساورخانی، باقر، ۱۳۷۰، «درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی»، انتشارات کیهان.
۱۵. ستوده، هدایت الله، ۱۳۸۴، «آسیب شناسی اجتماعی» انتشارات آوای نو.
۱۶. سلیمانی فر، ثریا، ۱۳۸۵، «شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت»، قم، نشریه قرآنی بینات.
۱۷. سلیمانی فر، ثریا، ۱۳۸۳، «بررسی شخصیت جوان»، تهران، فرهنگ مکتوب.
۱۸. شریعتمداری، علی، ۱۳۶۶، «روانشناسی تربیتی»، تهران، امیرکبیر.
۱۹. شکوهی، علی، ۱۳۸۸، «عوامل بر ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث»، قم، بوستان کتاب.
۲۰. غرویانی، محسن، ۱۳۸۵، «تربیت فرزند با نشاط و سالم»، تهران، انتشارات احمد، چاپ اول.
۲۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، «العين»، بی جا.

۲۲. قائمی مقدم، محمدرضا، ۱۳۸۴، «روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی»، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۲۳. قائمی، علی، ۱۳۷۸، «شناخت هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان»، امیدی.
۲۴. کتابچی، محسن، ۱۳۷۶، «فرزند خوشبخت گلی از گلهای بهشت»، قم، انتشارات هجرت.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۱، «اصول کافی»، مترجم محمد باقر کمره ای، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، چاپ پنجم، جلد دوم.
۲۶. گل محمدی، جعفر، ۱۳۸۵، «بوستان اندیشه جوان»، دفتر اول، قم، ناشر نوای قلم.
۲۷. لقمانی، احمد، ۱۳۸۱، «شیوه های جذب جوانان در تبلیغ»، قم، ناشر ندای قلم.
۲۸. لقمانی، احمد، ۱۳۸۵، «موضوعات و شیوه های گفتگو نسل جوان»، قم، انتشارات بهشت بینش، چاپ اول.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶، «بحارالانوار»، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. مرسلی، فاطمه، ۱۳۸۸، «هزار راه نرفته»، تهران، موسسه مطالعاتی پویا، پژوهش آفاق.
۳۱. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران.
۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، «علل گرایش های دیگری»، تهران، انتشارات صدرا.
۳۳. _____، ۱۳۸۸، «مجموعه آثار»، تهران، انتشارات صدرا، موسسه چاپ فجر.
۳۴. معین، محمد، ۱۳۸۶، «فرهنگ فارسی یک جلدی تلخیص شده فرهنگ شش جلدی»، زیر نظر گروه تحقیق انتشارات سرایش، تهران، چاپ نهم.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۳، «تفسیر نمونه»، تهران، بازار سلطانی، جلد ۲۷، چاپ هفتم.